

The Role of Women in Ethnic Groups in the Constitutional Revolution (Case Study: Sardar Bibi Maryam Bakhtiari)

Abstract

One of the basic features of the Iranian Constitutional Revolution is the presence of women and their role in organizations and associations and political scenes of the struggle against the Qajar government. Throughout the history of Iran, less attention has been paid to the role of women in political and social developments, although the study of the causes and factors of this important issue requires a separate category. During the Constitutional Revolution, Iranian women had the opportunity to overcome their intellectual and political limitations and to show their political and social empowerment in Iranian society by helping the constitutionalists. The presence of women in the Constitutional Revolution is not limited to the women of Tehran, and many women in other parts of Iran, as well as women from ethnic and peripheral groups, were able to play a role during the Constitutional Revolution. Were also present. This article tries to discuss the role of women in ethnic groups by examining the case study of Maryam Bakhtiari. The author will use the analytical-descriptive method to investigate this issue and will analyze the research data through the qualitative method.

Constitutional Revolution; Women; Ethnic groups; Baby Maryam Bakhtiari

جایگاه و نقش زنان گروه‌های قومی در انقلاب مشروطه ایران (مطالعه‌ی موردی: سردار بی‌بی مریم بختیاری)

محمد قاسم پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۷

محمدعلی علیزاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

یوسف متولی حقیقی^۳

چکیده:

یکی از ویژگی‌های اساسی انقلاب مشروطه ایران حضور زنان و ایفای نقش آن‌ها در تشکلات و انجمن‌ها و صحنه‌های سیاسی نبرد علیه حکومت قاجار است. در طول تاریخ ایران به نقش زنان در حوزه تحولات سیاسی و اجتماعی به ندرت توجه شده است که البته بررسی دلایل این بی‌توجهی خود موضوعی جداگانه می‌باشد. زنان ایران در طی انقلاب مشروطه فرصت یافتند که محدودیت‌های فکری و سیاسی را پشت سر گذاشته و از طریق کمک به مشروطه خواهان، توانمندی سیاسی و اجتماعی خود را در جامعه‌ی ایرانی نمایان ساخته و مورد تأکید قرار دهند. نمود و نقش زنان در انقلاب مشروطه صرفاً به بانوان تهران محدود نمی‌شود و بسیاری از زنان دیگر نقاط کشور و همچنین زنان از اقوام و گروه‌های مختلف نیز توانستند در جریان انقلاب مشروطه نقش‌آفرینی کنند، به نحوی که برخی از این زنان به‌طور مستقیم در جریان تسخیر پایتخت به دست مشروطه خواهان، نیز حضور داشتند. در این مقاله سعی بر آن است تا نقش زنان اقوام و گروه‌های مختلف را با بررسی مطالعه‌ی موردی بی‌بی مریم بختیاری مورد بحث و بررسی قرار دهد. نویسنده از روش تحلیلی - توصیفی جهت بررسی این موضوع استفاده خواهد کرد و به واسطه‌ی روش کیفی داده‌های تحقیق را تجزیه و تحلیل می‌کند

واژگان کلیدی: زنان؛ انقلاب مشروطه؛ گروه‌های قومی؛ بی‌بی مریم بختیاری

^۱ گروه تاریخ ایران دوره اسلامی، واحد تربیت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.^۲ گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (استاد راهنما و نویسنده مسؤل).

یکی از ویژگی‌های مهم در انقلاب مشروطه فراهم شدن زمینه‌های لازم برای حاضر شدن زنان در زمینه‌ی اجتماعی و قرار گرفتن آن‌ها در بتن زندگی سیاسی می‌باشد. تا قبل از عصر قاجار، فعالیت بانوان به محیط خانه و نگهداری فرزند محدود می‌شد و فرهنگ و سنن جامعه‌ی ایرانی اجازه‌ی ورود زن به عرصه‌ی سیاسی را نمی‌داد. این وضعیت در دوره‌ی قاجار و هم‌زمان با شروع جنبش‌های ضد استعماری و آگاهی ایرانیان با مؤلفه‌های زندگی مدرن دچار تحول شد و زنان در عصر مشروطه واقف به حقوق و آزادی‌های خود شدند و در کنار مردان در پیروزی این جنبش تأثیرگذار باشند. بر این اساس زنان هم در مشروطه‌ی اول و هم مشروطه‌ی دوم تأثیرگذار بودند و علاوه بر حضور در اعتراضات و راهپیمایی‌های سراسری در برابر استبداد، مجموعه‌ای از انجمن‌ها و نهادهای دموکراتیک را نیز جهت مقابله با حکام مستبد قاجار ایجاد نمودند و از طریق حضور در مجلات مختلف نیز تلاش کردند که خواسته‌های خود را به گوش مستبدین برسانند. مشارکت و فعالیت بانوان در مشروطه فقط به بانوان تهران خلاصه نمی‌شد و بسیاری از زنان گروه‌های قومی نیز در این جنبش تأثیرگذار بودند و دوشادوش مردان به مبارزات ضد استبدادی روی آوردند. در واقع یکی از جلوه‌های اساسی انقلاب مشروطه فعالیت گروه‌های قومی در این جنبش بوده است و زنان گروه‌های قومی نیز در کنار مردان به مقابله با استبداد قاجار روی آوردند و در پیروزی این انقلاب نقش مهمی ایفا کردند. از مهم‌ترین تأثیرگذارترین اقوام و گروه‌های حاضر در مشروطه که هم در فتح تهران و هم فرآیندهای بعدی مشروطه‌خواهی ایفای نقش کردند قوم بختیاری بود. قوم بختیاری که یکی از اقوام لر می‌باشد به دلیل سیاست‌های جاه طلبانه و بدخواهی‌هایی که حکومت قاجار نسبت به آن‌ها روا داشته بودند در جریان مشروطیت فرصت لازم را یافتند که در کنار آزادی خواهان قرار گرفته و به تسویه حساب‌های گذشته خود روی آوردند. یکی از ابعاد مهم حضور این قوم در مشروطه نیز همکاری زنان بختیاری به خصوص سردار بی‌بی مریم است که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین زنان گروه‌های قومی در مشروطه دانست. با توجه به اهمیت این مسئله نویسنده در این پژوهش تلاش دارد که به مطالعه نقش بانوان اقوام و گروه‌های مختلف در انقلاب مشروطه بپردازد و جایگاه بی‌بی مریم بختیاری را به‌عنوان مطالعه‌ی موردی، مورد واکاوی قرار دهد. بی‌بی مریم بختیاری یا سردار مریم از جمله زنان بختیاری عصر قاجار است که در پیروزی انقلاب مشروطه نقش آفرینی کرده است و در کنار سایر رهبران بختیاری در فتح تهران نیز تأثیرگذار بوده است. اهمیت نقش بی‌بی مریم در مشروطه تا حدی بوده است که او را تنها سردار زن در این انقلاب دانسته‌اند. نویسنده در این مقاله تلاش خواهد نمود که از طریق روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه نقش بانوان در انقلاب مشروطه پرداخته و نقش بی‌بی مریم را در این زمینه مورد واکاوی قرار دهد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز در این تحقیق مبتنی بر روش کیفی است به نحوی که نویسنده داده‌ها و شواهد تجربی را از طریق استدلال منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد. بر این اساس نویسنده ابتدا نگاهی کوتاه به نقش بانوان در تحولات قبل از مشروطه خواهد داشت و پس از آن ضمن توجه به مسئله‌ی حضور اقلیت‌ها و زنان در انقلاب مشروطه، بحث زنان گروه‌های قومی نیز مورد واکاوی قرار خواهد گرفت و در نهایت نقش بی‌بی مریم بختیاری نیز به‌عنوان مطالعه‌ی موردی بررسی خواهد شد.

مریم پروین در مجله‌ای تحت عنوان " یاد ایام " مقاله‌ای با عنوان "انقلاب مشروطه و جنبش زنان" را در سال ۱۳۸۹ نگاشته است که در آن به بررسی تحولات فکری و اجتماعی بانوان در عصر مشروطه می‌پردازد. نویسنده در این پژوهش تلاش دارد که نشان دهد تا پیش از انقلاب مشروطه و جنبش‌های ضد استعماری در دوره‌ی قاجار چه دیدگاهی نسبت به حضور بانوان در زمینه اجتماعی و سیاسی وجود داشته است و چگونه مشروطه و جنبش‌های جدید این وضعیت را دچار دگرگونی کرده است. مرتضی شیرودی در مقاله‌ای با عنوان نقش اجتماعی - سیاسی زنان در جامعه معاصر ایرانی (بررسی فعالیت زنان در سه دوره؛ انقلاب مشروطه، قبل و پس از آن) که در سال ۱۳۸۴ در مجله‌ی پژوهش زنان انتشار یافته است نیز تلاش نموده است نقش سیاسی و اجتماعی بانوان در جامعه کنونی ایرانی در سه دوره؛ قبل از انقلاب مشروطیت، هنگام انقلاب مشروطیت و بعد از انقلاب مشروطه را مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش با نام بردن قرائن و شواهد تاریخی حین رد نظراتی که یا نقشی ناکارآمد و حاشیه‌ای برای بانوان ایرانی در نهضت‌های اجتماعی در دوره‌های یاد شده در نظر دارند و یا برآورد منفی از کارکرد اجتماعی بانوان دارند، نظریه سومی را بیان می‌کند که طبق این دیدگاه بانوان ایران را دارای نقش جدی و تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی ایران قلمداد می‌کند. مجتبی شاهسونی و رسول مولایی در مقاله‌ای با عنوان " بررسی سیر تحویل نقش و جایگاه سیاسی - اجتماعی زنان از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی " که در سال ۱۳۹۴ توسط دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی انتشار یافته است حضور اجتماعی و سیاسی بانوان را از عصر مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان معتقدند که در دوره مشروطه حضور زنان به شکل سازمان‌دهی شده و منسجم نبوده و هر از چند گاهی تحرکات و فعالیت‌های پراکنده از سوی آنان دیده می‌شد؛ پارلمان مشروطه نیز چه به صورت تئوری و قانونی و چه در عمل نه ادعایی از سهم ساختن زن در عرصه سیاسی داشته و نه جنبش و اقدام خاصی از سوی بانوان برای خواستن حقوق سیاسی خودشان توجه نداشتند. پریچهر سلطانی زراسوند در کتابی با عنوان " سردار بی‌بی مریم بختیاری " زندگی سیاسی سردار مریم بختیاری را مورد بررسی قرار داده است که بخشی از آن مربوط به فعالیت‌های او در دوره‌ی مشروطه و روندهای پس از آن می‌باشد. سروناز بهبهانی در مقاله‌ای با عنوان " بی‌بی مریم بختیاری سردار مشروطه‌خواه " که در سال ۱۳۸۹ در مجله‌ی گزارش انتشار داده است نقش بی‌بی مریم در انقلاب مشروطه را مورد بررسی قرار داده است. هیچ پژوهش مستقلی را نمی‌توان یافت که بر مسئله‌ی زنان گروه‌های قومی متمرکز شده باشد و تنها برخی از نویسندگان به صورت پراکنده به چنین مسائلی اشاره کرده‌اند. بیشتر پژوهش‌هایی که در مورد نقش بانوان انجام گرفته است بانوان اقوام و گروه‌های مختلف را از قلم انداخته‌اند. این پژوهش هم مسئله‌ی زنان را مدنظر قرار داده است و هم زنان گروه‌های قومی در ایران را و بی‌بی مریم بختیاری را به‌عنوان نمونه‌ای از نمود بانوان اقوام مختلف در انقلاب مشروطه ذکر نموده است. پژوهش‌هایی که در بالا به آن اشاره گردید از بررسی چنین ابعادی از پژوهش زنان تهی هستند.

زنان و تحولات سیاسی و اجتماعی پیش از مشروطه

به‌طورکلی حضور بانوان در نهضت‌های اجتماعی و سیاسی ایران همانند نقش مردان پررنگ نبوده است و به خاطر ویژگی‌های خاص جامعه‌ی ایرانی به‌طور معمول بانوان در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی جنس دوم به‌حساب می‌آمده‌اند و در این زمینه فعالیت چندانی نداشته‌اند. در عصر صفویه و زندیه به دلیل خشونت‌هایی که نسبت به نقش و نمود بانوان در خارج از خانه و گردهایی‌های سیاسی انجام می‌پذیرفت، بانوان مشارکت زیادی در مسائل سیاسی نداشتند و با محدودیت‌های زیادی در این حوزه‌ها مواجه بودند. فعالیت و زندگی اصلی زنان در این عصر به نگهداری فرزندان و رسیدن به امور خانه خلاصه می‌شد و تصور برای نمود بانوان در زمینه‌ی اجتماع وجود نداشت. تنها در دوره‌ی قاجار بود که به خاطر رشد تحولات مدرن و مسافرت‌های قاجاریان و آشنایی ایرانیان با تفکرات مدرن عرصه برای نمود بانوان در عرصه‌های اجتماعی فراهم گشت و زنان در دوره‌ی قاجار فرصت یافتند که از آزادی‌های اجتماعی و سیاسی بیشتری نسبت به دوران گذشته برخوردار شوند. اگرچه در دوره‌ی قاجار نیز همچنان سنن و آداب گذشته رواج داشت و زنان با محدودیت‌های فراوانی روبرو بودند با این حال در این زمان روزنه‌هایی از امید برای نمود بانوان در اجتماع مهیا شد. بنابراین بانوان از زمان سلطنت فتحعلی شاه و محمدشاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق) فرصت بیشتری برای حضور در اجتماع و تحولات سیاسی یافتند و جنبش‌های ضد استعماری و ضد استبدادی که در دوره‌ی قاجار شکل گرفت عرصه‌ی مورد نیاز را برای نمود بانوان در مسائل اجتماعی و سیاسی این دوره فراهم ساخت.^۱ این مسائل سببی‌شد که بانوان دوشادوش مردان به فعالیت‌های سیاسی روی‌آوردند و بحث نمود بانوان در زمینه‌ی قدرت و یا تلاش برای حمایت از حقوق بانوان در دوره ابتدایی ورود بانوان به گستره‌ی اجتماعی و سیاسی چندان مطرح نبود و عصر مشروطه بود که نخستین زمینه‌های شکل‌گیری کانون‌های دموکراتیک را برای بانوان مهیا کرد.

جنبش تنباکو ازجمله نقاط عطف حضور زنان در صحنه‌ی سیاست به حساب می‌آید و از با اهمیت‌ترین اتفاقات سیاسی دوره قاجار می‌باشد که بانوان در آن ایفای نقش نمودند و در کنار مردان در جهت مقابله با استعمار انگلیس به فعالیت پرداخته‌اند. در طی مخالفت‌هایی که علیه قرارداد تنباکو صورت پذیرفت هم بانوان درباری و هم دیگر بانوان ایرانی در مقابل این عهدنامه موضع گرفتند و با به پای مردان خواستار لغو آن شدند. پس از حکم آیت‌الله میرزای شیرازی زنان درباری با این حکم موافقت کردند و قلیان‌ها را به نشانه‌ی اعتراض شکستند. همچنین سایر زنان نیز در کنار روحانیت و مخالفین قرارداد تنباکو قرار گرفتند و نسبت به این توافق اعلام براءت کردند. افزون بر بانوان پایتخت، بانوان دیگر نقاط ایران نیز در این اعتراض حضور داشتند. در تبریز زنی به نام زینب رهبری جنبش زنان را بر عهده داشت و در کنار مردان با موافقین قرارداد تنباکو مقابله کرد. در شیراز هم بانوان همراه مردان در جوار شاه‌چراغ تجمع اعتراض‌آمیزی کردند. نمود بانوان در اعتراضات زمان قحطی در سال ۱۲۷۷ نیز مثالی دیگر از نمود بانوان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود. پس‌ازاین که در این زمان ایران گرفتار قحطی شد زنان در کنار مردان دست به اعتراض زدند و چند دسته از زنان اعتراض خود را به سفارت روسیه و انگلیس رساندند و کالسکه‌ی شاه قاجار را نیز

^۱ بابایی راد، حاتم پور، ۴۰-۳۸.

مورد حمله قرار دادند.^۳ مواردی از این قبیل نمایانگر این است که بانوان در طی زمان از عصر قاجار اگرچه به صورت محدود توانستند خود را به عرصه‌های سیاسی وارد ساخته و در امتداد حمایت از حقوق بر باد رفته خود نیز تلاش کنند. اگرچه نمی‌توان درباره نمود زنان در زمینه‌ی سیاسی این زمان اغراق به خرج داد اما باین‌حال باید بیان داشت که دوره‌ی قاجاریه زمینه‌های کمی برای حضور زنان در اجتماع مهیا کرد و انقلاب تنباکو و مشروطه نمونه‌ی عالی از حضور زن ایرانی در عرصه‌ی جنبش سیاسی و اجتماعی می‌باشد.

زنان و انقلاب مشروطه

همان‌طور که گفته شد بانوان از عصر فتحعلی شاه و محمدشاه مجال بیشتری را برای حضور در اجتماع و فرآیندهای سیاسی ایران یافتند و جنبش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری یکی از جلوه‌های اساسی حضور زنان در میدان سیاست بود. این وضعیت در دوران مشروطه روند تکاملی خود را طی نمود و زنان گذشته از موضع‌گیری در برابر استعمار و حکومت‌های استبدادی نسبت به حقوق خود نیز تا حدی آگاه شدند. بر پایه همین موضوع است که بانوان هم یکی از با اهمیت‌ترین قوای انقلابی در دوره‌ی مشروطه محسوب می‌شوند که در کنار مردان به فعالیت‌های انقلابی و ضد استبدادی روی آوردند. زنان ایرانی در عصر مشروطه در انجمن‌های مختلف حضور پیدا کردند و از طریق شرکت در انتخابات و راهپیمایی‌ها و همکاری در ایجاد مجلات متنوع خواهان حق انسانی خویش و موفقیت مشروطه خواهان شدند.^۴ از همان اوایل شروع مشروطه‌خواهی زنان در تظاهرات مختلف شرکت نمودند و هم به لحاظ معنوی و هم از منظر مالی از مشروطه حمایت کردند. در سال ۱۹۰۵ گروهی از زنان صف بسته و خود را حامی علمایی معرفی کردند که در حرم عبدالعظیم تحصن کرده بودند. در سال ۱۹۰۶ نیز زمانی که مشروطه خواهان در سفارت انگلیس تحصن کردند چندین هزار زن نیز خواستار پیوستن به آن‌ها شدند که با مقاومت نیروهای انگلیسی مواجه شدند.^۵ زنان نه تنها در مشروطه‌ی اول و پیروزی‌های نخستین بلکه در فرآیندهای بعدی مشروطه نیز نقش‌آفرینی کردند. به‌عنوان مثال زمانی که دولت روسیه در اعتراض به حضور مورگان شوستر^۶ آمریکایی در ایران در سمت مستشار امور مالی، اولتیماتومی ۴۸ ساعته را به دولت ایران داد تا شوستر را از ایران اخراج کنند، زنان به مجلس رفتند و ضمن دریدن نقاب‌های خود، تهدید کردند در صورت تسلیم در برابر روسیه، فرزندان و شوهران و خودشان را خواهند کشت. این مسئله نمایندگان مجلس را تحت تأثیر قرارداد و باعث شد که نمایندگان در برابر روسیه موضع‌گیری کنند. گذشته از حضور عملی در تظاهرات و اقدامات ضد استبدادی و استعماری، بانوان سعی کردند که به واسطه حضور و تشکیل انجمن‌ها و مجلات نیز به فرآیندهای مشروطه‌خواهی کمک کنند. از مهم‌ترین انجمن‌هایی که بین سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۱ توسط زنان ایجاد شد شامل انجمن آزادی زنان، اتحادیه‌ی غیبی نسوان و انجمن نسوان، انجمن مخدرات، شرکت خواتین ایران، انجمن خواتین ایران بود. انجمن آزادی زنان و اتحادیه‌ی غیبی نسوان در سال ۱۹۰۷ ایجاد شد و انجمن نسوان نیز هم در

^۳ مومنی، ۱۳.

^۴ امید پور و دیگران، ۲۸.

^۵ آفاری، ۲۳۶.

مشروطه اول و مشروطه‌ی دوم فعالیت داشت. انجمن مخدرات وطن ارتباط نزدیکی با رهبران مشروطه‌خواه داشت و در تظاهرات دسامبر سال ۱۹۱۱ هم نقشی مهمی داشتند. اتحادیه‌ی نسون، انجمن همت خواتین و هیئت خواتین مرکزی نیز در جریان اولتیماتوم روسیه در سال ۱۹۱۱ نقش‌آفرینی کردند.^۷ محترم اسکندری، صدیقه دولت‌آبادی، جمیله صدیقی، آفاق پارسا، میرزا باجی خانم نواب سمیعی، منیره خانم و گلین خانم موافق، شمس کسمایی، خادمه وطن، شمس‌النساء، رئیس‌ه مدرس عالی ام‌المدرس، صبیبه امام‌الحکما یا صبایای شمس‌المعالی از با اهمیت‌ترین بانوان مؤثر در جریان‌های مشروطیت به حساب می‌آیند که در جهت حمایت از حقوق بانوان و جریان‌های مشروطه‌خواهی کوشیدند.^۸ به‌طورکلی می‌توان نقش زنان در مشروطیت را در دو عرصه‌ی عملی مانند تظاهرات و مبارزه مسلحانه و همچنین عرصه‌ی دموکراتیک و اجتماعی مانند حضور در انجمن‌ها و ایجاد مجلات خلاصه نمود.

گروه‌های قومی و جنبش مشروطه

ایران در ابتدای قرن نوزدهم ۵ تا ۶ میلیون نفر جمعیت داشت و تعداد آن در اواسط این قرن به ۱۰ میلیون نفر رسید. گفته می‌شود که در این زمان بین یک‌سوم تا یک دوم این تعداد صحرانشین بوده و در شکل ده‌ها ایل و طایفه بزرگ و کوچک در مناطق شمال، غرب و جنوب غربی ایران پراکنده بودند. تعداد جمعیت عشایری ایران در اواسط قرن نوزدهم نیز حدود ۲۵ درصد تخمین زده شده است که البته آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد. بقیه جمعیت ایران در شهرها و روستاها زندگی می‌کردند. به‌طورکلی ایران اجتماعی تقریباً ایستا و بدون تغییر محسوب می‌شود و سلطه نظام ایلپاتی به‌سان یک سنت قدیمی در ساخت سیاسی کشور، باعث دسترسی نداشتن گروه‌های جدید اجتماعی به قدرت و ادامه نظام‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی سنتی بود.^۹ در این زمان در ایران اقوام مختلفی نیز ساکن بودند که یرواند آبراهامیان این اقوام را به‌طورکلی به ۳ دسته‌ی اصلی تقسیم نموده است:

۱. گروه‌های قومی ایرانی
۲. گروه‌های قومی غیر ایرانی عرب و ترک‌تبار
۳. گروه‌های قومی غیرمسلمان ساکن در ایران.^{۱۱}

گروه‌های قومی ایرانی شامل ۱۰ گروه قومی اصلی بودند که هر یک در بخش‌های مختلفی از ایران ساکن بودند. گروه‌های قومی ایرانی در این زمان شامل ۶۳۷۵۰۰۰ نفر بودند. گروه‌های قومی غیر ایرانی شامل اعراب و ترک‌هایی بودند که بیشتر آن‌ها از آسیای میانه به ایران وارد شده بودند و آسوریان، زرتشتیان، ارمنه و یهودیان نیز از مهم‌ترین گروه‌های قومی غیرمسلمان در این زمان محسوب می‌شدند. سیاست اصلی شاهان قاجار جهت حل و فصل مسئله‌ی چند

^۷ آفاری، ۲۳۸.

^۸ پیروز، ۵۵.

^۹ کرم‌پور، ۹۳.

قومیتی در ایران، مهار اقوام مختلف از طریق به‌کارگیری زور و دادن القاب و پادشاهی‌های مختلف بود که این سیاست هیچ‌گاه نتوانست کارآمد باشد و در نهایت زمینه را برای بروز شکاف‌های قومی و جنبش مشروطیت فراهم نمود. کودتای محمدعلی شاه یک نقطه عطف در بروز شکاف‌های قومی و ایجاد منازعات قومی در ایران بود که سالیان طولانی به‌وسیله‌ی سیاست‌های قهرآمیز قاجار مهار و کنترل شده بود. پس از کودتا و منحل شدن مجلس شورای ملی زمینه برای شکل‌گیری منازعات قومی در ایران فراهم گشت و اقوام مختلف برای حمایت از حقوق برپا رفته خود یا به طرف تهران حرکت کردند و یا این‌که در حوزه‌های محلی خود بر علیه حکام قاجار شوریدند و تلاش کردند که قدرت را در منطقه خود به دست گیرند. در طی انقلاب مشروطه اقوام مختلفی به تهران وارد شدند و از طریق فتح پایتخت تلاش کردند که در فرآیندهای قدرت نقش‌آفرینی کنند. از میان اقوام مختلفی که در فتح تهران و تحولات مشروطه نقش‌آفرینی کردند نقش لره‌های بختیاری بسیار پررنگ بوده است چراکه پادشاهان قاجار تمام تلاش خود را جهت مهار و کنترل این قوم به کار گرفته بودند. علاوه بر این قوم بلوچ، قوم لر، قشقایی‌های فارس، ارمنی‌ها، ترک‌های تبریز و سایر اقوام ایرانی نیز یا در فتح تهران به‌صورت مستقیم نقش‌آفرینی کردند و یا این‌که در ایالت‌های مختلف بر ضد حکومت قاجار شوریدند و به‌گونه‌ای غیرمستقیم از مشروطه حمایت کردند. به‌عنوان مثال صولت الدوله قشقایی در فارس بر ضد قوام که فرستاده‌ی شاه قاجار بود موضع‌گیری نمود و از مشروطه خواهان دفاع کرد. ایل بختیاری به رهبری سردار اسعد بختیاری در قیام بر ضد استبداد قاجار و پیروزی انقلاب مشروطه نقش مهمی داشت. در جریان مبارزه با استبداد صغیر علیه محمدعلی شاه نیز بختیاری‌ها در تصرف اصفهان و استقرار مشروطیت در آنجا توسط صمصام السلطنه بختیاری نقش بسیار مهمی داشتند. صمصام السلطنه در اصفهان که مقام ایلخانی بختیاری را به سود امیر مفخم از جناح حاج ایلخانی از دست داده بود، با جمع‌آوری نیروهای قبیله‌ای خود و اتحاد با سردار اسعد و با تصرف اصفهان، نیروهای خود را به سمت تهران حرکت داد. آذر رشت نیز قوم ارمنی نقشی اساسی در تحولات مشروطه داشتند و ۳ ارمنی به رهبری پیرم خان و ۴ روشنفکر دیگر کمیته‌ی ستار را ایجاد کردند و با سوسیال‌دموکرات‌ها و داش‌ناک‌های ارمنی ارتباط برقرار کردند. پیرم خان با کمک ارمنی‌ها و گرجی‌ها توانست رشت و باکو را به تصرف خود درآورد و سپس با حمایت‌هایی که توسط محمدعلی سپهدار صورت پذیرفت توانست به سمت تهران حرکت کند.^{۱۳} آذر تبریز نیز قومیت‌های ترک‌زبان در راستای فتح تهران و مواجهه با حکومت استبدادی محمدعلی شاه کوشیدند و به شدیدترین درگیری‌های داخلی متوسل شدند. در تبریز داوطلبان مسلح که بیشتر آن‌ها از طبقات تحصیل‌کرده‌ی محله شیخی محسوب می‌شدند دور دو قهرمان اصلی مشروطه‌خواه یعنی باقر خان و ستار خان جمع شدند. آن‌ها توانستند محله‌های طبقات متوسط نشین را به تصرف خود در آورند و بر حملات فقیرنشین نیز تسلط یابند.^{۱۴} نقش عشایر قشقایی نیز در کنار این گروه‌های قومی و عشایری حائز اهمیت است و آن‌ها نیز در پیروزی مشروطه تأثیرگذار بودند. صولت الدوله رئیس ایل قشقایی در این زمان به‌شدت از مشروطه خواهان حمایت کرد و در برابر حاکم شیراز ایستاد. او میرزا فرج‌الله

جایگاه و نقش زنان گروه‌های قومی در انقلاب مشروطه ایران (مطالعه‌ی موردی: سردار بی‌بی مریم بختیاری)

^{۱۲} پیروز، ۵۷.

^{۱۳} ابراهامیان، ۱۲۶-۱۲۵.

^{۱۴} ابراهامیان، ۱۲۶-۱۲۵.

خان را مأمور کرد که به وکالت از خودش مواضع ایل قشقایی را به مشروطه خواهان برساند و مبلغ یکصد هزار تومان نیز در مسیر مشروطه خواهی هزینه کرد. همچنین صولت الدوله به منظور حمایت از مشروطه خواهان با ۲ هزار نیرو به شیراز رفت و به جمع تحصن کنندگان پیوست.^{۱۵} تلاش گروه های قومی در تحقق مشروطه و فتح تهران باعث شد که آن ها در فضای سیاسی بعد از مشروطه نیز نقشی مهم دارند و بر همین اساس بود که پس از سقوط تهران سپه دار مقام نخست وزیری و مسئولیت وزارت جنگ را بر قبول کرد و سردار اسعد نیز وزارت داخله را در اختیار گرفت و پیرم خان نیز به عنوان رئیس پلیس تهران انتخاب شد. این گروه در آینده ی سیاسی ایران تأثیرگذار بودند و ضمن منحل نمودن حکومت محمدعلی شاه، احمدشاه را به عنوان جایگزین او انتخاب کردند و قانون انتخابات را نیز وضع نمودند.^{۱۶}

نقش زنان گروه های قومی در مشروطه

با آن که نمود بانوان در انقلاب مشروطه همانند مردان برجسته نیست و حضور و فعالیت بانوان در انقلاب مشروطه هم بیشتر به بانوان تهران محدود می شد اما با این حال باید در نظر داشت که انقلاب مشروطه زمینه های اولیه را برای ابراز وجود و حضور زنان سایر اقوام ایرانی در عرصه ی سیاسی را نیز تا حدی فراهم نمود. زنان سایر اقوام ایرانی هم در مبارزات مسلحانه و هم در جریانات و تشکلات سیاسی حضور یافتند تا از این طریق بتوانند در فرآیندهای مشروطه خواهی مؤثر افتند. در واقع زنان اقوام ایرانی اگرچه به شکلی بسیار محدود، فرصت یافتند که مانند زنان پایتخت هم در حوزه های عملی و مبارزات مسلحانه علیه حکومت استبداد و هم در عرصه ی فرآیندهای دموکراتیک مانند ایجاد انجمن ها و مجلات به مشروطه خواهی کمک کنند. در آذربایجان زنان در سال ۱۹۰۶ انجمن هایی را برای احقاق حقوق خود ایجاد کردند و در سال ۱۹۰۷ نیز جمعیتی از زنان انجمنی را برای مقابله با رسوم قدیمی و غیر مترقی تشکیل دادند. در اصفهان نیز زنان هیئت نسوان اصفهان را ایجاد و به واسطه ی آن تظاهرات و اعتراضاتی را برگزار می کردند.^{۱۷} جمعیت «پیک سعادت نسوان» نیز در سال ۱۳۰۶ توسط شماری از زنان چپ در رشت ایجاد شد تا به سوادآموزی و آگاهی زنان کمک کنند.^{۱۸} زنان ارمنی به طور مستقیم در اموری مانند اسلحه رسانی تا پرستاری و برگزاری جلسات سخنرانی دخالت داشتند و یکی از سرشناس ترین زنان ارمنی که در پیروزی مشروطه تأثیرگذار بود نیز آن اناهیت همسر پیرم خان است.^{۱۹} پاولوویچ و ایرانسکی در پژوهشی که حول نهضت مشروطه ایران نگاشته اند در باره نمود بانوان اهل تبریز در انقلاب مشروطه بیان می دارند که:

^{۱۵} نصیری طیبی، ۹۳-۹۰.

^{۱۶} ابراهامیان، ۱۲۷-۱۲۵.

^{۱۷} آفاری، ۲۴۰.

^{۱۸} آفاری، ۳۴.

^{۱۹} پیروز، ۵۵.

"در نهضت مشروطه ایران، زنان ایرانی نیز پای در میان داشتند. عکس یک دسته شصت نفری از زنان چادرپس و تفنگ به دست اکنون در اختیار ماست. اینان نگهبانان یکی از سنگرهای تبریز بودند."^{۲۰}

حضور و فعالیت زنان آذری در انقلاب مشروطه تا جایی بود که زمانی که عین الدوله جهت سرکوب مشروطه خواهان به تبریز فرستاده شد زنان آذری طی نامه‌ای به او بیان داشتند که:

"خیال می‌کنی با این مظالم، ملت از مشروطه دست برمی‌دارند و با بستن راه آذوقه، تسلیم بی‌ناموسان می‌شوند. هیئات! ای حضرت‌والا به خطا رفته‌ای و غلط تصور نموده‌ای، زیرا ما تا چند ماه آذوقه داریم و پس از آن برگ درختان و گیاهان را می‌خوریم و یا با میوه سد جوع می‌کنیم، حتی گوشت گربه و سایر حیوانات را می‌خوریم و بالاخره در خون خود می‌غلطیم؛ ولی تابع هوای نفس محمدعلی میرزا نمی‌شویم."^{۲۱}

زنان برخی از گروه‌های قومی در مساعدت مالی به مشروطه نیز فعال بودند به نحوی که پس از فتح اصفهان به دست سواران بختیاری، عده‌ای از زنان به انجمن ایالتی اصفهان رفته و زیورآلات خود را هدیه کردند. علاوه بر این زنان گروه‌های قومی ایران در فتح تهران نیز به صورت مستقیم نقش‌آفرینی کردند. بی‌بی مریم بختیاری از جمله‌ی این زنان است که تفنگ به دست در برابر استبداد قاجار ایستاد و در فتح پایتخت بزرگان ایل بختیاری را یاری کرد. در این بخش نگاهی کوتاه به نمود بانوان در انقلاب مشروطه و مشروطه‌خواهی داشتیم تا زمینه برای بررسی یکی از چهره‌های اصلی زنان گروه‌های قومی یعنی بی‌بی مریم بختیاری در مشروطه بپردازیم. قبل از بررسی مطالعه‌ی موردی نگاهی به رقابت قاجاریان و بختیاری‌ها در عصر مشروطه خواهیم داشت و سپس نقش بی‌بی مریم را در مشروطه ارزیابی می‌نماییم.

رقابت بختیاری‌ها با ایل قاجار

قوم بختیاری از مهم‌ترین گروه‌های قومی تأثیرگذار در انقلاب مشروطه می‌باشد که هم در فتح تهران و هم جریانات پس از مشروطیت تأثیرگذار بوده است. ایل بختیاری به رهبری سردار اسعد بختیاری در قیام بر ضد استبداد قاجار و پیروزی انقلاب مشروطه نقش مهمی داشت. در جریان مبارزه با استبداد صغیر علیه محمدعلی شاه نیز بختیاری‌ها در تصرف اصفهان و استقرار مشروطیت در آنجا توسط صمصام السلطنه بختیاری نقش بسیار تأثیرگذاری داشتند. صمصام السلطنه در اصفهان که مقام ایلخانی بختیاری را به سود امیر مخم از جناح حاج ایلخانی از دست داده بود، با جمع‌آوری نیروهای قبیله‌ای خود و اتحاد با سردار اسعد و با تصرف اصفهان، نیروهای خود را به سمت تهران حرکت داد. نقش مؤثر این قوم بیشتر به خاطر دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌هایی بود که قاجارها با سران بختیاری داشتند. پادشاهان قاجار جهت

^{۲۰} پاولوویچ و ایرانسکی، ۵۶

^{۲۱} انجمن، ۴۱

^{۲۲} شیرودی، ۴۳

^{۲۳} پیروز، ۵۷

مهار این قوم از انواع سیاست‌ها و مکانیسم‌های خشونت‌آمیز از جمله قتل‌عام و کشتار بهره گرفته بودند و پیش از مشروطه زمینه‌های لازم برای دشمنی بختیاری‌ها با قاجاریان وجود داشت. آقا محمدخان قاجار در اواخر دوره‌ی پادشاهی خود در پی مقابله با بختیاری‌ها برآمد و در جنگی با ابدال خان بختیاری او را گردن زد. فتحعلی شاه قاجار هم به یاری حیلۀ مشاوران فرانسوی خویش به مناسبت تهیه ذغال و سرپیچی از حکومت مرکزی با اسد خان بهداروند به جدال پرداخت و به منازعه‌ی نظامی با او روی آورد. در دوره‌ی محمدشاه نیز محمدتقی خان چهار لنگ قدرت فراوانی داشت و چون از پرداخت مالیات به دولت مرکزی تمرد کرد به‌وسیله معتمدالدوله تحت‌الحفظ به پایتخت ارسال شد. قدرت حسینقلی خان و ائتلاف بختیاری‌ها در آن دوره، ناصرالدین‌شاه را هم دچار واهمه کرد و این خان بختیاری با نیرنگ و دورویی ظل‌السلطان کشته شد.^{۲۴} گذشته از کشتار و قتل‌عام گروگان‌گیری نیز از جمله حربه‌های قاجاریان جهت مهار ایل بختیاری بوده است. به‌عنوان مثال محمدشاه از محمدتقی خان درخواست کرد که علی‌نقی خان برادر محمدتقی خان و شفیع خان مشاور و دستیار او با خانواده در تهران باشند تا از این طریق از سرکشی ایل بختیاری ممانعت به عمل آورد. ناصرالدین‌شاه نیز اسفندیار خان سردار اسعد اول پسر بزرگ حسینقلی خان را هفت سال حبس و گروگان گرفت تا به‌واسطه‌ی آن ایل بختیاری را مهار کند.^{۲۵}

بی‌بی مریم بختیاری

بی‌بی مریم بختیاری از جمله زنان مشروطه‌خواه می‌باشد که در کنار سایر بزرگان ایل بختیاری نقشی اساسی در مشروطه ایفا نمود. بی‌بی مریم در سال ۱۲۵۱ هـ. ش در خطه‌ی بختیاری‌ها زاده شد و از طایفه زراسوند هفت لنگ و فرزند حسین قلی خان ایلخانی یکی از ایلخانان بزرگ بختیاری و برادر سردار اسعد بختیاری و نجف قلی خان بختیاری مشهور به صمصام‌السلطنه است. پدرببی‌بی مریم زمانی که او نه سال بیشتر نداشت به دستور مستقیم ظل‌السلطان پسر ناصرالدین شاه کشته شد و به همین خاطر کینه‌ی دیرینه‌ای بین بی‌بی مریم و ایل قاجار پیش از مشروطه ایجاد شده بود و این مسئله در مبارزات و کشمکش‌های او با قاجاریان نیز تأثیرگذار بود. بی‌بی مریم بختیاری بنا بر شرایط زندگی ایلی در فنون تیراندازی و سوارکاری مهارت داشت و از آنجایی که همسر خان بود سواران و جنگجویانی را نیز در اختیار خود داشت که در مبارزات و مقابله‌های او در برابر حکام مستبد قاجار مورداستفاده قرار می‌گرفت. او یکی از معدود زنان ایل بختیاری محسوب می‌شد که سواد خواندن و نوشتن داشت و از بانوان آزاداندیشی بود که همیشه بر حقوق برابر بانوان و مردان ایرانی تأکید داشته است به‌نحوی که در کتاب خاطرات خود همواره بر حقوق زنان ایرانی و مقابله با ظلم و استبداد اصرار داشته است.^{۲۶} بی‌بی مریم در کتاب خاطرات خویش درباره آزادی و حقوق بانوان ابراز کرده است که:

^{۲۴} پوربختیار، موسایی، ۲۰۱۱-۲

^{۲۵} پوربختیار، ۲۰۱۱-۲

^{۲۶} سلطانی زراسوند، ۵۶۴

^{۲۷} بهبهانی، ۶۴.

"چرا بانوان ایرانی می‌بایست در گوشه‌ی خانه و در بروی آن‌ها بسته باشند؟ وقتی زن‌های اروپایی را می‌بینم که کار می‌کنند و این‌همه وجود آن‌ها به درد وطن خود می‌خورد به حدی افسوس می‌خورم مثل اینکه می‌خواهم دیوانه شوم. آیا زن انسان نیست؟ آیا خلقت او غیر از خلقت مرد است؟ کاش ما هم روزی خود را در سایه‌ی تمدن می‌دیدیم. افسوس که من می‌میرم و آن روز را در ایران، به‌خصوص در بختیاری نخواهم دید."^{۲۸}

بی‌بی مریم از جمله زنان مشروطه‌خواه محسوب می‌شود که به‌طور مستقیم در فتح تهران و جریان‌های بعدی مشروطیت نیز تأثیرگذار بوده است و حمایت‌های او از مشروطه صرفاً جنبه‌ی تئوریک و زبانی نداشته است. در واقع بی‌بی مریم هم در جریان‌ات پیش از فتح تهران، هم در اثنای فتح تهران و هم تحولات بعدی مشروطیت نقش‌آفرینی کرده است و اسناد و مدارکی که پیرامون این زن بختیاری موجود است بیانگر حضور فعال او در جریان‌ات مشروطه‌خواهی می‌باشد. پیش از فتح تهران او تلاش داشت که سران ایل بختیاری به‌خصوص سردار اسعد را جهت فتح تهران ترغیب نماید. بی‌بی مریم از طریق سخنرانی‌ها و ارسال تلگراف و نامه به سران ایل بختیاری آن‌ها را ترغیب نمود که علیه استبداد محمدعلی شاه موضع‌گیری نموده و به مقابله با او بپردازند. هنگامی که سران بختیاری در حال حرکت به سمت تهران بودند بی‌بی مریم طی سخنرانی و نطق حماسی خود تلاش داشت که مردان بختیاری را به اقدام علیه استبداد مصمم سازد:

"...حالا که قصد دارید در این امر تعهد داشته باشید، اگر همه مردان کبیر بختیاری شهید شدند، تمام بانوان بختیاری را جمع کرده، کفن به گردن، تفنگ به دست برای شکست دادن دشمن رو به طرف اردوی استبداد حرکت می‌کنیم... امیدوارم ... که ریشه استبداد پوسیده را به عقل سرشار و فکر عمیق خودتان و به زور شمشیر آتش‌بار جوان‌های رشید ایرانی از بیخ و بن بکنید"^{۲۹}

گذشته از این بی‌بی مریم در فتح تهران نیز نقش‌آفرین بود و با قوای خود به سمت تهران حرکت نمود و خود نیز در این جریان حضوری مسلحانه داشت. قبل از فتح تهران او به‌صورت مخفیانه وارد تهران شد و پس‌ازاین که سردار اسعد به تهران حمله کرد با سنگربندی در حوزه‌ی بهارستان به قزاق‌ها حمله‌ور شد و شخصاً تفنگ به دست گرفت و با آن‌ها جنگید. او پس از نقش مهمی که در فتح تهران داشت به لقب سردار مریم نیز ملقب گردید.^{۳۰} رشادت‌های بی‌بی مریم صرفاً به مبارزات او در طول فتح تهران ختم نمی‌شود و این زن بختیاری در طول مبارزات مشروطیت و تقویت مجلس و فرآیندهای مشروطه‌خواهی نیز تأثیرگذار بوده است. نگرش‌ها و تفکرات روشنفکرانه‌ی بی‌بی مریم باعث

^{۲۸} بختیاری، ۲۳۴.

^{۲۹} بختیاری، ۱۲۶.

^{۳۰} بهبهانی، ۶۴.

می‌شد که او در جریان مبارزات مشروطیت همواره از نیروهای مبارز حمایت به عمل آورد و به همین خاطر است که خانه و قلعه‌ی او پناه گاه بسیاری از آزادی خواهان این دوره می‌باشد.

در طی جنگ جهانی اول نیز بی‌بی مریم تلاش داشت که از مبانی و اصول مشروطیت حمایت به عمل آورده و با دفع قوای خارجی به استقلال ایران کمک کند. به همین خاطر بود که در طی جنگ جهانی علیرغم این که بختیاری‌ها از انگلیسی‌ها حمایت می‌کردند به مبارزه با آن‌ها پرداخت. بی‌بی مریم در این زمان همراه با تفنگچیان خود از متحدین حمایت نمود و در کنار خوانین پشت کوه به انگلیسی‌ها حمله کرد. حمایت‌های بی‌بی مریم از متحدین باعث شد که امپراطور آلمان، کمان تمثال میناکاری و الماس نشان و همچنین صلیب آهنین خود را که از مهم‌ترین نشان‌های دولتی آلمان محسوب می‌گردد را برای بی‌بی مریم ارسال نماید.^{۳۱} مبارزات و تقابل بی‌بی مریم با انگلیسی‌ها به این زمان ختم نگردید و در طی قرارداد ۱۹۱۹ و کودتای ۱۲۹۹ که انگلیسی‌ها به تاراج ایران روی آوردند نیز بی‌بی مریم در برابر آن‌ها ایستاد و محمد مصدق پیش از کودتا به او پناه برد و مدتی مهمان او بود.^{۳۲} نمونه‌ی بی‌بی مریم نمایانگر این است که بانوان اقوام مختلف ایران نیز در جریان مشروطیت بسیار فعال بوده‌اند و پا به پای زنان پایتخت در راستای مقابله با استبداد و حمایت از حقوق بانوان قدم گذاشته‌اند. بی‌بی مریم در کتاب خاطرات خود بارها این مسائل را مورد توجه و تأکید قرار داده است

نتیجه‌گیری

بانوان تا قبل از عصر قاجار هیچ نقشی در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی ایرانی نداشتند و نگاه جامعه‌ی ایرانی به زن صرفاً مبتنی بر مشارکت او در فضای خانه بود و هیچ تصویری از امکان توانایی زن در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی وجود نداشت. این وضعیت در دوره‌ی قاجار و هم‌زمان با جنبش‌های ضد استعماری و ضد استبدادی دچار تحول شد و زنان به‌مرورزمان توانستند در کنار مردان به عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی وارد شوند. اگرچه این حضور بسیار محدود و کم‌رنگ بود اما باین حال نخستین جرقه‌های امید برای نمود بیشتر بانوان در زمینه‌ی سیاسی زده شد. حضور زنان در حوزه‌ی سیاسی هم‌زمان با انقلاب مشروطه برجسته‌تر شد و هم‌زمان با تحولات مشروطیت زنان فرصت یافتند که در راستای احقاق حق خود نیز برآیند. در جریان انقلاب مشروطه بانوان نیز در زمینه‌های عملی و مبارزه مسلحانه و هم ایجاد تشکل‌ها و انجمن‌های دموکراتیک فعال گشتند به‌نحوی که بسیاری از انجمن‌های دموکراتیک و سیاسی در این زمان توسط زنان تشکیل شد. نمود بانوان در زمینه‌ی سیاسی صرفاً به زنان پایتخت محدود نگشت و بسیاری از زنان گروه‌های قومی نیز فرصت یافتند که در مشروطه حضور یافته و در راستای احقاق حقوق خود بکوشند. نویسنده در این پژوهش نمونه‌ی بی‌بی مریم بختیاری را مورد بررسی قرارداد تا نشان دهد که مشروطه‌خواهی صرفاً مبتنی بر تلاش زنان پایتخت نبوده است و بسیاری از زنان گروه‌های قومی ایران نیز در این انقلاب فعالیت داشته‌اند. بی‌بی مریم بختیاری

^{۳۱} سپهر، ۳۰۸-۳۰۴.

^{۳۲} گارثویت، ۲۴۸.

از دسته بانوان متجدد دوره مشروطه محسوب می‌شود که نشان داد زنان ایرانی و گروه‌های قومی از توانمندی‌های لازم در تمام حوزه‌ها برخوردار هستند و می‌توانند به‌عنوان یک عنصر فعال در عرصه‌ی سیاست و اجتماع نقش‌آفرینی کنند.

منابع

۱. امیدوی پور، زهره. باستانی، سوسن، رجب‌لو، علی، تحلیل رویکرد متجددانه‌ی زنان در دوره‌ی مشروطیت، تاریخ اسلام و ایران، سال بیست و سه، شماره ۲۰، ۱۳۹۲
۲. آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۲
۳. آفاری، ژانت، انجمنهای نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه، ترجمه‌ی جواد یوسفیان، تهران، نشر بانو، ۱۳۷۰
۴. آفاری، ژانت، انقلاب مشروطه‌ی ایران، ترجمه‌ی رضا رضایی، تهران، نشر بیستون، ۱۳۸۵
۵. بابایی راد، بیتا. حاتم پور، شبنم، زن و تحولات سیاسی از قرن ۷ تا پایان دوره پهلوی، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال دوم. شماره ششم، ۱۳۹۰
۶. بهبهانی، سروناز، بی‌بی مریم بختیاری سردار مشروطه خواه، مجله‌ی گزارش، شماره‌ی ۱۳۸۹، ۲۱۹
۷. پوربختیار، غفار. موسایی، حاتم، واکاوی سیاست‌های حکومت قاجار در برابر ایل بختیاری، پژوهش نامه‌ی تاریخ، دوره ۱۰، شماره ۱۳۹۴، ۳۸
۸. پیروز، مجید، نقش نیروهای اجتماعی در انقلاب مشروطیت و حوادث پس از آن، فصلنامه سیاست، سال پنجم، شماره هفدهم، ۱۳۹۷
۹. پیروز، مجید، نقش نیروهای اجتماعی در انقلاب مشروطیت و حوادث پس از آن، فصلنامه سیاست، سال پنجم، شماره هفدهم، ۱۳۹۷
۱۰. تریا، پاولوویچ و ایرانسکی، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه‌ی م هوشیار، تهران، ۱۳۳۰
۱۱. سپهر، عبدالحسین، ایران در جنگ بزرگ، تهران: بانک ملی، ۱۳۳۶

۱۲. سلطانی زراسوند، پریچهر، سردار بی بی مریم بختیاری سردار آزادگی به روایت اسناد منتشر نشده، تهران، نشر ایل دخت بختیاری، ۱۳۹۸
۱۳. کرم پور، رزا، «چرخش نخبگان سیاسی در ایران در اواخر قرن نوزدهم»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۷، صص ۱۲۸-۸۸، ۱۳۸۴
۱۴. گارثویث، رالف، بختیاری در آئینه تاریخ ترجمه مهراب امینی، تهران، سهند، ۱۳۴۵
۱۵. مومنی، فاطمه، بانوان در تاریخ معاصر، مجله ی زمانه، شماره ی ۴۵، ۱۳۸۵
۱۶. نشریه انجمن، سال سوم، شماره ۴۱، ۱۳۲۷
۱۷. نصیری طیبی، منصور، زندگی سیاسی صولت الدوله قشقایی (دوران مشروطیت)، اسناد بهارستان، دوره جدید، شماره ۴، ۱۳۹۳